

جریان دادگاه پرونده قتل سرتیپ افشار طوس

آقای دادستان از پرونده سازان دفاع نمود

تنظیم: سودابه درویش - کارمند آموزش

بخش اول و دوم جریان دادگاه پرونده سرتیپ افشار طوس را در شماره های قبل خواندید. اکنون بخش سوم آن را می گیریم:

آقای کاروسی یکی از وکلای مدافع چنین اظهار داشت: همان طور که قبلاً گفتیم عصر روز ۳۱ فروردین مرحوم افشارطوس به اتفاق سرهنگ نادری از خانه شخصی خارج می شود و دیگر مراجعت نمی کند فردای آن روز به طوری که همه دیدیم دستگاه کشف جرم با وضع مضحکی برای یافتن افشارطوس اقدام نمود.

سپس ناطق اشاره به قضیه پیدا شدن جسد افشارطوس و معاینه آن در پزشکی قانونی کرد و گفت هنگامی که جسد افشارطوس معاینه گردید خون تازه مشاهده شد و چون دکتر معرفت حاضر نشد ذیل ورقه را امضاء کند او را منتظر خدمت کردند.

بعد آقای کاروسی در مورد زجر و شکنجه متهمین صحبت نمود و گفت: کلیه اقراریه با زجر و شرایط قرون وسطائی تهیه شده و از نظر قضائی ارزشی ندارد. وی اضافه کرد در ممالک مترقی هنگامی که شب فرا می رسد بازپرسی و بازجویی خاتمه می یابد و محاکمه را به روز بعد موکول می کنند و حال اینکه این پرونده تماماً در شب تهیه شده و این خود می رساند که بانان این پرونده می خواستند اعمال خود را در تاریکی شب پنهان نمایند. این تناقضات و اشتباهاتی که در پرونده موجود است خوشبختانه راهی است که می تواند قضات محترم را برای کشف جرم هدایت کند.

بعد آقای نصیری وکیل نصیر خطیبی شروع به صحبت نمود و گفت: موکل من را مانند دیگران بدون جهت در این پرونده دخالت دادند.

ناطق سپس گفت: افشارطوس را اول به دزاشیب برده اند و بعد از آنجا دیگر معلوم نیست چگونه به تلو برده شده است و در این مورد دلایلی نیز ایزاد کرد.

آقای نصیری یکی از وکلای مدافع گفت مهمترین دلیل مبنی بر غرض ورزی در این پرونده دخالت اداره کارآگاهی است چون تا کنون سابقه نداشته است که اداره کارآگاهی در قتلهای سیاسی دخالت نموده باشد و این می رساند که این پرونده را از جریان عادی خارج کرده و روی اغراض سیاسی قتل را به این شکل درآورده اند، ناطق صورت مجلس را که هنگام پیدا شدن جسد نوشته شده بود قرائت کرد و گفت با وجود این که سرهنگ سررشته و نادری در تلو حضور نداشته اند ذیل صورت مجلس را

امضاء کرده اند و این هم دلیل دیگری است که این پرونده مجعول است.

وی درباره موکل خود اظهار داشت: چون موکل من برای افشارطوس چای آورده است دستگیر و زندانی و بعداً او را در پرونده دخالت داده اند بدین مناسبت من از دادگاه تقاضا می کنم حکم برائت وی را صادر نمایند.

آقای دکتر حسین عبده وکیل آقای زمانی شروع به صحبت نمود و اظهار داشت:

دکتر حسن عبده:

این پرونده در تاریخ

ایران بدون سابقه بوده و

باید دقیقاً به آن رسیدگی

شود و من که از مصونیت

وکالت برخوردار هستم

بدون هیچگونه شبهه تی

اسرار این پرونده را

روشن می نمایم و ایادی

دولت سابق را که در این

پرونده دخالت داشته اند

معرفی می کنم

این پرونده در تاریخ ایران بدون سابقه بوده و باید دقیقاً به آن رسیدگی شود و من که از مصونیت وکالت برخوردار هستم بدون هیچگونه شبهه تی اسرار این پرونده را روشن می نمایم و ایادی دولت سابق را که در این پرونده دخالت داشته اند معرفی می کنم. وکیل مدافع به سخنان خود ادامه داد و گفت: موکل من ناصر زمانی یکی از خرده مالکین کردستان است که برای ادامه تحصیلات خود به تهران آمده و بعداً در احزاب سیاسی وارد شد و در سال ۱۶ وارد خدمت

پلیس گردید و چون افشار طوس رئیس شهربانی شد به موکل من مأموریت داده که به عضویت حزب زحمتکشان درآید و اخبار لازم را از آن حزب برای او بیاورد و حقوق خود را نیز شخصاً دریافت می نمود. بعد از چند مرتبه که زمانی از مأموریت خود گزارش لازم را رسانید به علت‌هایی افشار طوس دستور می دهد که او گزارش ندهد این واقعه در اوایل فروردین روی داد و زمانی برای امتحانات خود دو ماه مرخصی گرفته از شهربانی بیرون آمد.

در این موقع که جریان نفت حل نشده بود عده ای از مردم ناراضی شده بودند و کابینه هم ضعیف شده بود، دکتر مصدق پیش خود فکر می کند که چنانچه روزی افشار طوس با رفقای ارتشی خود همکاری کند بتواند او را بزودی از بین ببرد و در این مورد با سرتیپ ریاحی وارد مذاکره می شود.

بعد ناطق در طی بیانات اظهار داشت: کشتن افشار طوس به دستور رئیس و به دست سرهنگ نادری و سرگرد سررشته عملی شد و باید سرهنگ نادری و این آقایان بالای چوبه دار بروند، وی اضافه نمود: من یقین دارم این کار به دست سرهنگ سررشته و سرهنگ نادری انجام شده و علیه آنها اعلام جرم می کنم.

در این موقع آقای دکتر حسین عبده آخرین وکیل متهمین قتل افشار طوس به اظهارات خود خاتمه داد و تماشاچیان بر له او ابراز احساسات کردند.

در جلسه بعد آقای سرگرد بهمنش نماینده دادستان شروع به صحبت نمود، وی ابتدا شمه ای در پیرامون اجرای عدالت و تشریح وظایف دادستان در موقع دادخواهی و حفظ حقوق عامه اظهار داشت و پس از آن از پرونده به شرح زیر دفاع کرد:

چون دفاعیات وکلای محترم اکثر آرای ساختگی بودن پرونده دور می زد و گفته شد دادستان راهی را انتخاب کرده و سپس با شکنجه و زور و زجر از اشخاص معین اعتراف گرفته است. بنده این موضوعات را رد می کنم و اعلام می دارم که اولاً پرونده ساختگی نیست و بازپرس هرگز نمی تواند

استناد کرد و گفت: طبق این سند افشار طوس خفه نشده بلکه او را به دار آویخته اند.

سپس سرگرد بهمنش شروع به صحبت کرد و اظهار داشت:

معرفی شهود به دادگاه از نظر قانون به هیچ وجه صحیح نبوده و اظهارات آنان نیز جنبه شخصی داشت نه جنبه قضائی. شرایط شهود و رعایت مواد قانونی نیز در دادگاه رعایت نشده است. موضوع دوم راجع به شکنجه بود که خود متهمین در مراحل بدوی بازپرسی ابتدا اسمی از زجر و شکنجه نبرده اند و فقط در مرحله آخرین دفاع صحبت‌هایی شده و اکثر متهمین نیز از بازپرس به کرات در مورد رعایت اصول و آزادی بیان تشکر کرده اند.

در مراحل دیگر هم دلایلی می‌بینیم بر رد شکنجه مثلاً عباسعلی نخلی اظهار می‌دارد که به من تکلیف کرده اند مطالب را حاشا کنم و احمد، نوکر سرگرد بلوچ می‌گوید من گناهی ندارم و این بلا را اربابم به سر من آورده است، یکی از وکلای مدافع محترم از دادگاه خواسته بود که احمد آثار شکنجه در بدنش را نشان می‌دهد و می‌خواستند دادگاه را تحریک کنند در صورتی که احمد اظهار می‌دارد پهلوی مراسم سال قبل در بیمارستان شکافته اند و هنوز هم از جای آن چرک می‌آید، من اعلام می‌کنم در صورتی که قضیه شکنجه صحیح باشد باید عاملین مجازات شوند برای این عصر ننگ است که چنین قضیه‌ای در کشوری اتفاق بیافتد ولی از آقایان وکلای محترم که در برابر قرآن و قانون سوگند یاد کرده‌اند بعید به نظر می‌رسد که از حقیقت منحرف شده کاسه گرمتر از آتش بشوند موضوع شکنجه ابداً وجود خارجی نداشته و هرگز چنین اعمالی از ناحیه دستگاه انتظامی و قضائی ما صورت نگرفته است و بازپرس به قول وکلای مدافع موضوعات پرونده را انتخاب نکرده بلکه پرونده را مطالعه کرده است و حقیقت است این که جرمی واقع و کشف شده است. آنچه مسلم است اینکه تیمسار فقید افشار طوس رئیس کمیسیون رسیدگی به پرونده افسران بازنشسته بوده است و بعضی از این افسران تصور کرده اند که این افسر نظر خاصی در بازنشسته کردن بعضی افسران داشته است.

این افسران مصادف می‌شوند با آقای حسین خطیبی که خودش را محاط بر امور سیاست معرفی می‌کند و ضمناً دوست یکی از نمایندگان محترم مجلس آقای دکتر بقائی نیز هست، این افسران روحاً عصبانی و ناراحت می‌باشند و خود را محق در تقاضاهای خود می‌دانند از این احساسات تند آقای حسین خطیبی سوءاستفاده می‌کند آنها را در خانه خود جمع و با آقای دکتر بقائی ملاقات می‌دهد و همگی آنها اعتراضات خود را بوسیله آقای دکتر بقائی در مجلس منعکس می‌کنند و این را خودشان اعتراف دارند. این همکاری پس از مدتی

زبان متهمین تایید شده بود قرائت کرد.

سپس دکتر ملکی وکیل مدافع متهمین شروع به صحبت کرد و خطاب به نماینده دادستان گفت:

شما چند مرحله صحبت کردید و فقط به بیان یک ادعا نامه ساختگی پرداختید، درباره شهادت شهود اظهار داشتید که گواهی آنها ارزش قضائی ندارد این شهود برای یک نفر نیامده بودند و برای اشخاص مختلف گواهی دادند با این وصف دیگر امکان تبانی وجود نداشت.

راجع به شکنجه اظهار داشتند متهمین چیزی نگفته اند و حال آنکه اوراق پرونده شهادت می‌دهد که متهمین از همان روزهای اول متظلم کرده اند، اعتراض کرده‌اند و حتی اعلام جرم هم داده‌اند.

آقای دکتر ملکی در دنبال صحبت‌های خود بیاناتی در خصوص انحراف بازپرس از مدار تحقیقات و نقایص بازپرسی اظهار داشت و گفت:

شما که می‌گویید افسر ارتش پرونده سازی

اینکه گفته شد علت مبارزه
این آقایان با حکومت
سابق بازنشسته کردن آنها
بوده صحیح نیست و
حقیقت این است که آنها
در مقابل تلاش حکومت
سابق برای متلاشی کردن
ارتش به مبارزه برخاستند
زیرا عوامل تضعیف ارتش
می‌دانستند که تا یک
افسر شریف و میهن
دوست هست نبل به
هدفتشان غیرممکن است

نمی‌کند بطور مدعی هستید که چند افسر ارتش با تحصیلات بیشتر و درجات بالاتر آدم کشته‌اند؟ ناطق سپس اشاره به پرونده کرد و گفت:

آیا قابل قبول هست که ساعت ۹ شب در خیابان خانقاه که کانون افسران بازنشسته و حزب سومکا چند مرکز مهم دیگر در آن واقع است و اکثراً تحت کنترل مأمورین شهربانی و کارآگاهی است با این هیاهو افشار طوس را بر بایند و او را در اتومبیل بگذارند و حتی یک نفر هم متوجه نشود و انگهی آیا می‌توان باور داشت که ۱۷ نفر نظامی و غیرنظامی به اضافه ۲ اسب دست به کار شوند، پهلوان استخدام کنند و خیابان خلوت نمایند یک نفر افشار طوس را هر قدر هم قوی و زورمند باشد ببندند و ببرند با شهادت صریحی که آقای سرتیپ امینی و مستخدم هتل در دادگاه اظهار کردند دیگر جای شک برای کسی باقی نمی‌گذارد که افشار طوس را کس دیگری ربوده و کس دیگری کشته.

آقای دکتر ملکی آن گاه به گواهی پزشکی قانونی

پرونده بسازد، دوم اینکه اصلاً شکنجه ای در میان نبوده است اما در مورد شکنجه وکلای مدافع محترم به دو نکته اشاره کردند یکی گواهی گواهان و دیگر اظهارات متهمین، در مورد گواهی گواهان باید گفته شود که آزادی عمل در بازپرسی و دادگاه باید بر حسب قانون مطابق اختیاراتی که قانون برای بازپرس و دادگاه معین کرده است موجود باشد و از طرفی چون قانون مقرر داشته گواهانی که به دادگاه معرفی می‌شوند حتماً در مراحل بازپرسی اولیه متهم به آنها اشاره کرده و شهادت آنان را دلیل گرفته باشد تا بتوان آنها را به دادگاه احضار کرد و گواهانی که وکلای مدافع محترم به دادگاه معرفی کردند در مرحله بازپرسی مورد توجه هیچ یک از متهمین نبوده و به آنها اشاره‌ای نشده و گذشته از این گواهان مذکور به صورت مدعی خصوصی شاکی شده بودند.

بنابراین دادگاه نمی‌تواند به شهادت آنان استناد کند پس کلیه گواهانی که وکلای مدافع به عنوان ادای گواهی به دادگاه خواسته بودند علاوه بر اینکه شهادتشان از روی حقیقت نبوده به شرایط شهادت توجیه نداشتند و لذا شهادت ایشان به هیچ وجه ارزش قضائی ندارد.

(در این موقع آقای دکتر ملکی اعتراض کرد و گفت پرونده را نشان بدهید) آقای سرگرد بهمنش به صحبت خود ادامه داد و گفت بازپرس روی وظیفه قانونی ناچار شده است که بعضی از سؤالات مختصر از متهمین بنماید و متهمین نیز پاسخ داده‌اند که این سؤال و جواب از پرونده ۱ به پرونده ۴ منتقل شده است مثلاً آقای افشار قاسملو به خط خودش نوشته است اظهارات من مربوط به خودم است و تمام آن را عیناً تایید می‌کنم. از بازپرسی اولیه مدتی می‌گذرد و بازپرسی ثانوی آغاز می‌شود در این بازپرسی متهمین سکوت می‌کنند و جواب نمی‌دهند و بعد موضوع شکنجه عنوان می‌شود ولی باز در مرحله دیگر پس از مواجهه دادن متهمین منکر شکنجه می‌شوند و در جریان آخرین دفاع مجدداً صحبت از شکنجه به میان می‌آید ولی در تمام این احوال بعضی از متهمین مثلاً آقای امیر علائی ابداً صحبتی راجع به شکنجه نکرده‌اند (عده ای از وکلای مدافع و متهمین اعتراض کرده و گفتند این طور نیست سه دندان ایشان را شکسته‌اند) با این حال وقتی به پرونده مراجعه می‌شود ملاحظه می‌گردد اطلاعاتی به اداره آگاهی رسیده مبنی بر اینکه به آقای حسین خطیبی دستور رسیده قضایا را کتمان کنند ولی این دستور بعد از آن است که صدای وی در نوار ضبط صوت ثبت شده است. همچنین آقایان افشار قاسملو، بلوچ، عباسعلی نخلی، حسین خطیبی، احمد آتیش و آقای امیرعلائی ضمن اظهاراتی که کرده‌اند کمال آزادی عمل را در مرحله بازپرسی اقرار کرده و حتی تیمسار مزینی و تیمسار زاهدی به شرح مسوولی دایر به بی‌طرفی و توجه بازپرس به وضع متهمین و همچنین رعایت قانون مرقوم داشته‌اند، ناطق در این وقت قسمتی از برگهای پرونده را که طی آن مراتب بی‌طرفی بازپرس و عدم اعمال شکنجه از

ماهنامه قضاوت
سال سوم - شماره ۲۲ - اردیبهشت
و خرداد ۸۳

مصادق دارد که اعتراض سیاسی یا شخصی، مؤثر در نظر قضات نباشد و در محضر دادگاه جز ادله و براهین موجود در پرونده به هیچ نظر دیگری توجه نشود.

ملتی سعادتمند است که به حکومت مطلقه قانون گردن نهد و جز اطاعت از قوانین عمومی و متابعت از قواعد کلی تکلیف و وظیفه نداشته باشد، باید محیط دادگاه از نظریات سیاسی و مقتضیات اختصاصی و تعصبات فردی یا اجتماعی مبری و منزله باشد تا حکومت مطلقه قانون تحقق یابد.

متأسفانه باید گفت این پرونده به علل و جهات سیاسی و با نظر و غرض شخصی تنظیم و به این صورت درآمده است بنده وکیل آقای خطیبی هستم موکل من مانند خود من شرم سیاسی ندارد و در هیچ حزب و دسته دخالت و شرکت نداشته و با کسی غرض سیاسی و خصومت شخصی ندارد.

آقای نصیر خطیبی به تمام معنی مرد مفیدی است او خلق شده برای اینکه به هر کسی بتواند به قدر مقدور خدمت کند در مواقعی که یکی از افراد فامیل یا یک نفر از دوستان یا گرفتار یا مریض باشد بدون اینکه از هیچ گونه خطر و زحمتی بهرساند به کمک او خواهد شتافت در گرفتاری برادرش آقای حسین خطیبی هم نهایت فداکاری را کرده و در آن محیط رعب و وحشت که کسی جرأت نداشته اسم حسین خطیبی را ببرد این برادر لباس و غذای او را تأمین و به زندان می برده و با نهایت فداکاری و صمیمیت در انجام کارهای خانواده برادرش اقدام کرده است.

از طرفی وقتی پرونده اتهام آقای حسین خطیبی و دیگران ساخته و پرداخته شده و مقرر بوده است که تمام آنها به شدیدترین مجازات ممکنه محکوم شوند به اتهام تبلیغات و انتشاراتی که برای اثبات اتهامات انتسابی به عمل آمده بود مع ذلک عده ای افراد متفرس و دقیق، این استنادات را با نظر تردید نگاه می کردند و حتی در آن موقع هم حاضر نبودند همه حرفهای پرونده سازان را بپذیرند از این جهت دستگاهی که متصدی این کار بود درصدد برآمد برای موجه جلوه دادن حکمی که می بایست قهراً درباره متهمین صادر شود دست به اقدام جدیدی بزند به همین علت هفتاد و پنج روز بعد از دستگیری و بازداشت آقای حسین خطیبی یعنی روز ۱۷/۴/۳۲ آقای نصیر خطیبی را بازداشت کردند و منظورشان این بود که در دادگاه با اعلام براءت او حکم محکومیت دیگران را عادلانه و قانونی جلوه دهند بنابراین بنده یقین دارم اگر در زمان حکومت سابق هم این دادرسی انجام می شد نتیجه ای جز براءت موکل بنده نداشت و بنده با اطمینان به صدور حکم براءت وکالت آقای نصیر خطیبی را قبل از روز ۲۸ مرداد ۳۲ پذیرفتم. بنابراین براءت موکل بنده که بر علیه او کوچکترین دلیلی در پرونده وجود ندارد قطعی و مسلم است و

کند از پرونده سازان دفاع نمود و در ضمن ادای یک جمله ظاهر فریب اظهار داشت که « افسر پرونده نمی سازد» این صحیح است که افسر پرونده ساز نمی شود ولی چه بسا ممکن است که پرونده سازی به لباس افسر ملیس گردد. وی اضافه کرد: اما اینکه گفته شد علت مبارزه این آقایان با حکومت سابق بازنشسته کردن آنها بوده صحیح نیست و حقیقت این است که این آقایان در مقابل تلاش حکومت سابق برای متلاشی کردن ارتش به مبارزه برخاستند، زیرا عواملی که درصدد تضعیف ارتش بودند می دانستند که تا یک افسر شریف و میهن دوست در ارتش هست نیل به

چنین مقصدی غیرممکن است و بدین جهت آن کمیسیونهای کذاهی تصفیه و بازنشستگی را ظاهراً به اسم اصلاح و در واقع برای تخریب ارتش ایجاد کردند.

ناطق سپس اضافه کرد: من نیز به اظهار آقای نماینده دادستان مبنی بر اینکه سیاست و قضاوت نباید با هم توأم گردد موافقم ولی صریحاً اعلام می کنم که این پرونده را دست سیاست ساخته است نه دست قضاوت.

نصیری: قبلاً باید از هیأت محترم دادگاه تشکر کنم که با دقت و بردباری به مدافعات اساتید

و همکاران معظم بنده توجه فرموده اند و امیدوارم با اینکه مدت دادرسی به طول انجامیده به اظهارات بنده نیز بذل توجه فرمایند.

از همکاران محترم نیز که با مدافعات مستدل و متین خود بار وظیفه بنده را سبک کرده و در حقیقت نقطه ابهامی در پرونده باقی نگذاشته اند و بی گناهی تمام متهمین را ثابت کرده اند تشکر می کنم.

قبل از شروع به دفاع باید عرض کنم که تعریف و توصیف عدالت از شدت وضوح و ثبوت مورد ندارد همین قدر عرض می کنم عدالت واقعی موقعی

از این حدود خارج و منجر می شود به یک همکاری سیاسی. در این وقت آقای حسین خطیبی اظهار عقیده می کند که برای تضعیف دولت خویست که ما عده ای از اشخاص مؤثر را گرفته و چند روزی محبوس نگاه داریم و بعد از تحصیل نتیجه آزاد کنیم، افسران مزبور نیز قبول می کنند اما برای مخفی کردن و پنهان کردن آن هم مدت قلبی.

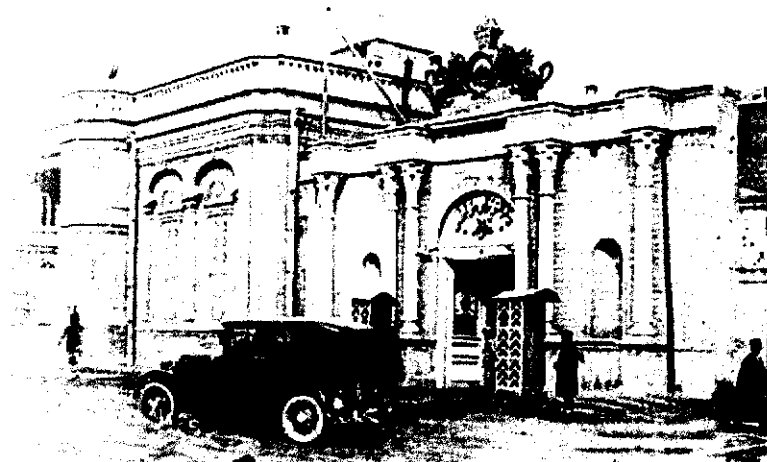
اول مرتبه قرعه به نام افشار طوس می افتد، دلالتی هست در پرونده که تیمسار مرحوم با آقای خطیبی تماس داشته اند، روزی که تیمسار مرحوم به منزل مادرش می رود وی به منزل تیمسار منزله رفته و نامود

می کند که من می توانم افشار طوس را به دام بکشم و شما باید عرضه داشته باشیید او را پنهان کنید، از من به دام انداختن و از شما پنهان کردن. به این صورت طرح برودن افشار طوس ریخته می شود. البته وقتی طرح ریخته شد رضایت سایرین نیز جلب می شود و این طرح سه شب قبل از واقعه می بایست به صورت عمل درآید ولی چون افشار طوس نمی تواند آن شب را در منزل خطیبی حاضر شود آن شب به تمرین اختصاص می یابد، پس در نتیجه این طرح ریخته می شود و افشار طوس را به محل می کشانند.

در ضمن جلسه دیروز آقای ناصر زمانی وکیل مدافع خود آقای دکتر حسین عبده را به عنوان اینکه تحت تاثیر بعضی عوامل از دفاع منحرف شده است عزل نموده و سپس چند نفر دیگر از آقایان متهمین من جمله تیمسار مزینی، تیمسار منزله، تیمسار بایندرو آقایان امیرعلائی و سرگرد بلوچ را به وکالت خود منصوب و معرفی کردند.

در این هنگام آقای امامی خوئی به اظهارات نماینده دادستان در مورد دفاع از پرونده اشاره کرد و گفت: آقای دادستان به جای آنکه از پرونده دفاع

ملتی سعادتمند است که به حکومت مطلقه قانون گردن نهد و جز اطاعت از قوانین عمومی و متابعت از قواعد کلی تکلیف و وظیفه نداشته باشد باید محیط دادگاه از نظریات سیاسی و مقتضیات اختصاصی و تعصبات فردی یا اجتماعی مبری و منزله باشد تا حکومت مطلقه قانون تحقق یابد



فقط بنده بر حسب وظیفه و تکلیفی که دارم در نهایت اختصار از موکل برطبق پرونده دفاع می نمودم. اینک قسمتی از آخرین مدافعات متهمین از نظر خوانندگان گرامی می گذرد:

سرتیب منزله: علت دستگیری من مخالفت با حکومت سابق بود. سرهنگ نادری به خود من اطلاع داد که شما را دستگیر خواهند نمود. پس به وضع خدمت خود اشاره کرد و گفت: من زیر بار زور نمی رفتم و همین عمل باعث بعضی نارضایتی ها از من شده بود وی ضمناً اظهار داشت سرگرد پدram افسر زندان دژبان به من گفت شخص دکتر مصدق دستور داده که سرتیب منزله و حسین خطیبی را بیش از دیگران شکنجه دهند. و در مورد قتل افشار طوس گفت: در موقعی که ما زندانی شدیم نمی دانستیم که اصولاً افشار طوس کشته شده است.

آقای حسین خطیبی یکی از متهمین در آخرین دفاع خود را بیان نمود. وی دستگیری افشار طوس و ربودن وی را با آن وضع در منزل خود غیرممکن قلمداد کرد و بکلی مراتب را تکذیب نمود بعد اشاره به ملاقات خود با آقای دکتر صدیقی وزیر کشور سابق نمود و گفت سرهنگ نادری در زندان به من اظهاراتی نمود و گفت با دکتر مصدق کنار بیا دیگر کار تمام است، من گفتم اگر شما راست می گویند بروید دست خطی برای من بیاورید و من شخصاً با ایشان تماس نمی گیرم.

سپس راجع به شکنجه و موضوع شلاق زدن و توقیف فرزند خردسال خود مطالبی اظهار داشت و بعد درباره اسناد بایگانی شده در مجلس صحبت کرد و گفت: آقای دکتر مصدق برای دو نامه در آن وقت نوشته است یکی از آنها مربوط به ملاقاتم با آقای دکتر صدیقی وزیر کشور می باشد و دومی شامل تصویب لایحه قانونی یک ماده ای است که آقای دکتر مصدق به موجب آن مرا از تعقیب و مجازات در امر قتل افشار طوس معاف ساخته است.

یکی از آن نامه ها در زندان از بین رفته ولی دومی را به وسیله سرباز شرافتمندی به آقای دکتر بقائی رساندیم و این نامه جزو مدارکی است که آقای دکتر بقائی در مجلس شورای ملی به امانت گذاشت و من از دادگاه تقاضا کرده ام برای رسیدگی آن اسناد را از مجلس شورای ملی بخواهند.

سپس درباره روابط خود با آقای دکتر بقائی و رئیس سابق ارتش مطالبی اظهار کرد و در پایان گفت من از دادگاه تقاضای صدور رأی را دارم که با قانون و وجدان منطبق باشد و حقی از کسی سلب نشود. آقای سرتیب مزینی در دفاع خود چنین گفت:

من سرباز هستم به ارتش ایران بسیار علاقمند می باشم و همیشه خود را از ارتش می دانم. آقای سرتیب مزینی در این موقع گفت من به احترام روح تیمسار افشار طوس چند ثانیه سکوت می کنم و آن گاه درباره طرز رفتار مرحوم افشار طوس مدارکی تسلیم دادگاه نمود و گفت من برای آن مرحوم طلب مغفرت می نمایم دیگر در این باره اظهاری نمی نمایم و ضمناً اظهار کرد: این دو کیفرخواستی که یکی برای

ما و یکی برای دکتر مصدق تنظیم شده باید اعلام شود کدام یک درست است. آیا ما علیه مصالح مملکت قیام کرده ایم یا دکتر مصدق؟ ما از مرگ باکی نداریم، ما از مرگ شرافتمندان استقبال می کنیم.

آقای امیر علانی در آخرین دفاع خود بیان داشت: باید پرسید من چه نفعی از قتل افشار طوس می بردم؟ به هیچ وجه من در این جریان دست نداشته ام. منظور دکتر مصدق

از تمام این کارها پرونده سازی بوده و روی همین اصل مرا هم متهم کرده است. من از آوردن اسب در آن شب خبری ندارم و با این پرونده معمول حیثیت ما دستخوش اغراض مأمورین دولت سابق شده است باید حقیقت قضیه دنبال شود، من علیه پرونده سازان اعلام جرم می کنم.

این اتومبیلی که مدعی شده اند افشار طوس را حمل کرده به هیچ وجه با مشخصات اتومبیل من وفق نمی دهد و اتومبیل من در آن تاریخ در تعمیر بوده است. باز پرس به من گفت سی هزار تومان بده تا کار تمام شود. بنابراین سوءنیت باز پرس در این پرونده بخوبی محسوس می شود و تمام این اعمال به منظور پرونده سازی بوده است.

متهم دیگر آقای افشار قاسملو اظهار داشت: من در تمام عمر خود پشتیبان مقام سطنت بوده و در این راه جانفشانی کرده ام. در مورد دکتر مصدق هم اظهار داشت وی وکیل انتقاد کننده خوبی بود ولی نخست وزیر خوبی نبود. آن گاه به وقایع نهم اسفند اشاره کرده و گفت من در آن روز در اجتماع جلو کاخ همایونی شرکت داشتم. آقای امیر رستمی در دفاع خود گفت: من چون در تظاهرات جلو کاخ همایونی شرکت داشته و کفن پوشیده بودم مرا به این جرم دستگیر کردند. در مورد بازجویی خود اظهار داشت هر چه بازپرسان نوشته و می گفتند امضاء کن من هم انگشت می زدم.

آقای ناصر زمانی ضمن آخرین دفاع خود اظهار کرد: من در حزب زحمتکشان به دستور تیمسار افشار طوس نظارت می کردم و با دکتر بقائی نیز همکاری نداشته ام اینکه دادستان ادعا کرده در این پرونده هم من و هم دکتر بقائی دست داشته ایم جمع ضدین است.

احمد آشهز ضمن آخرین دفاع خود گفت: من در این جریان هم هیچ دخالتی نداشته و در مورد اقرار خود گفت: اگر خود آقای دادستان را



۱۰ دقیقه شکنجه دهند به اجبار می گویند من افشار طوس را کشته ام.

رأی دادگاه:

رأی دادگاه به نام نامی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی صادر و پس از ذکر مشخصات متهمین و گردش کار و خلاصه کیفرخواست با توجه به موارد زیر:

- ۱- اظهارات متهمین
- ۲- اظهارات منسوب به گواهان.
- ۳- صورت مجلس کشف جنازه.
- ۴- صورت مجلس معاینه پزشکی.
- ۵- ارضاع و احوال موجود در پرونده.
- ۶- اتهام مربوط به حمل اسلحه قاچاق.

دادستان دادگاه نظر خود را

نسبت به برائت کلیه متهمین از اتهامات متنبسه اعلام و ضمناً پرونده را برای کشف قاتل یا قاتلین حقیقی قتل تیمسار افشار طوس و عاملین زجر و شکنجه که نسبت به آنان اعلام شده است مفتوح می داند.

این رای تا مدت ده روز برای متهمین و دادستان قابل فرجام می باشد.

پس از اعلام رای دادگاه تظاهراتی بر له رای دادگاه از طرف تماشاچیان ابراز شد و بلافاصله آقای سرهنگ

آقای امیر علانی در آخرین دفاع خود بیان داشت: باز پرس به من گفت سی هزار تومان بده تا کار تمام شود. بنابراین سوءنیت باز پرس در این پرونده بخوبی محسوس می شود و تمام این اعمال به منظور پرونده سازی بوده است

قربانی دادستان دادسرای نظامی نسبت به رای صادره تقاضای تجدیدنظر نمود.

پی نوشت:

۱- برگرفته از حمید سیف زاده، حافظه تاریخ انتشارات ۲- ر- ک، مهدی بامداد، شرح رجال ایران، ذیل افشار طوس

۳- قضاوت: توجه خوانندگان محترم را به این نکته جلب می نماید که برچیدن پرونده ای که از پیش مفتوح بوده است در رژیم کودتا به نوعی نمایش تشریفاتی تبدیل گردیده است و در واقع پس از سقوط دولت مصدق محاکمه قاتلان افشار طوس به محاکمه دولت مصدق جای سپرده است.